

سفیر آمریکا علیه علی اف است؟

بنابر آخرین اطلاعات دریافتی از باکو، تحولات غیر قابل پیش بینی در آذربایجان به بلوغ می رسند. همه چیز از آنجا شروع شد که رینو هارنیش سفیر آمریکا در آذربایجان از مناطق شمالی کشور که عمدتاً محل سکونت اقلیتهای قومی (بویژه لزگی ها) است، بازدید نموده و در طی یکی از ملاقاتها اعلام کرد: «برخی نیروها در آذربایجان می خواهند مزاحم برگزاری انتخابات شفاف پارلمانی شوند که این امر تأثیر منفی بر کل روند انتخابات خواهد داشت. آذربایجان بطور بین المللی متعهد شده است که انتخابات شفاف و عادلانه برگزار نماید. باید تمام مسائل در گزارش سازمان امنیت و همکاری اروپا که پیرامون نتایج انتخابات پارلمانی ششم نوامبر تهیه خواهد شد، گنجانده شوند. برخلاف رئیس جمهور الهام علی اف که خواهان برگزاری انتخابات در سطح استانداردهای بین المللی است، در آذربایجان نیروهایی وجود دارند که نظرشان در خصوص وضعیت انتخاباتی کشور منفی است. گزارش سازمان امنیت و همکاری اروپا نمی تواند بعنوان دخالت در امور داخلی آذربایجان تلقی گردد.»

از قضا سخنان رینو هارنیش با اعتراف ناطق علی اف رئیس شرکت دولتی نفت آذربایجان همزمان شده است. ناطق علی اف اذعان نموده است که تا ۱۵ نوامبر بعید بتواند صادرات نفت آذربایجان از خط لوله باکو-جیحان را شروع کند. بگفته وی: «در این حالت اولین نفتکش حامل نفت تقریباً ۱۵ دسامبر بندر جیحان را ترک خواهد کرد.» این در حالی است که ریاست شرکت عملیات بین المللی آذربایجان تصمیم گرفته است در ماه سپتامبر نفتکشی را به جیحان اعزام نماید تا ظرفیت انبار آنجا را بررسی نماید. خیلی از کارشناسان وضعیت پیچیده ایجاد شده را با موارد ذیل توضیح داده اند: استخراج نفت از میدان نفتی «آذری» با تأخیر انجام شده است و جدول زمانبندی بخش خط لوله اصلی صادرات در ترکیه بهم خورده است. ریاست شرکت «بریتیش پترولیوم» که مجری طرح می باشد، زمانی تلاشها، اعصاب و پولهای زیادی را بخرج داد تا مجوز دولت گرجستان برای عبور خط لوله از منطقه کوهستانی بورژومی در گرجستان را دریافت کند. نهایتاً طرف گرجی شروط خود را قبولانده است که براساس آنها ستونها و لوله ها باید در عمق بیشتری قرار گیرند. اگر «اولین نفت» باید بلافاصله پس از انتخابات پارلمانی آذربایجان منتقل شود، پس بعید نیست که دلایل دیگری نیز وجود دارند که احتمالاً با سیاست منوط می باشند. سخنانی که تقریباً همزمان در باکو بیان شدند، انسان را به این فکر و می دارند. اولاً معلوم می شود که رسول قلی یف و ایاز مطلب نیز برای انتخابات پارلمانی ثبت نام شده اند. جالب اینجاست که قلی یف از دست مقامات آذربایجان در آمریکا و مطلب در روسیه پنهان شده است. ولی افراد معتمد آنان در باکو مدارک لازم را تنظیم می کنند. دوماً مقامات باکو بطور غیرمنتظره هشدارهایی را منتشر کردند. بگفته رفیق علی اف رئیس کمیته دولتی امور سازمانهای مذهبی: «پس از آنکه نظارت دولتی بر مبلغین ایدئولوژی وهابیسیم تقویت یافت، این مبلغین مساجد را ترک نموده و در محله های مسکونی و خانه های مردم به تبلیغ می پردازند. دولت نظارت بر مساجد را شدت بخشید و این امر باعث شد که پیروان وهابیسیم در خانه ها جمع شوند و به امور تدارکاتی بپردازند. وهابیون نمی توانند در مساجد بزرگ به تبلیغ بپردازند و در خانه های مسکونی کار مخرب خود را انجام می دهند. ولی این فعالیتها نیز تحت کنترل می باشند. این در حالی است که برخی از رجال مذهبی خواهان معرفی نامزدی خویش در انتخابات پارلمانی می باشند. این افراد هنوز ثبت نشده اند. ما اسامی آنان را زمانی منتشر خواهیم کرد که برای انتخابات رسماً ثبت شوند. کسانی که در زمینه مذهبی مشغول به خدمت هستند حق دارند در انتخابات شرکت کنند، ولی اگر آنان در انتخابات شرکت می کنند، در این صورت باید فعالیت مذهبی را متوقف سازند. این خواست قانون می باشد.»

رفیق علی اف وضعیت مذهبی کنونی کشور را نسبتاً باثبات ارزیابی نموده ولی بلافاصله اعتراف کرده است: «اما این بدان معنا نیست که می توان تمام مسائل را نادیده گرفت. برخی گروههای مذهبی وجود دارند که بعضاً به سیاست هم می پردازند، برخی گروهها هم علیه حکومت مبارزه می کنند. برخی افراد قصد دارند در آذربایجان حکومت اسلامی برقرار نمایند. آنان نیز مایل هستند بطور سازمان یافته

برخی اقدامات را صورت دهند، ولی دولت از این اقدامات جلوگیری می نماید.» بدین ترتیب باکو بنوبه خود غرب را مورد شانتاژ قرار می دهد. بی تردید می توان سخنان رفیق علی اف را بعنوان نگرانی محافل دولتی آذربایجان در رابطه با افزایش تبلیغات وهابیون در کشور ارزیابی نمود. اما بعقیده ما مکانیزمهای پنهان مقابله رژیم الهام علی اف نیز در اینجا نهفته اند. بدیهی است که الهام علی اف مایل به پیروی از «سناریوهای» آمریکایی برقراری دموکراسی در آذربایجان نمی باشد، زیرا در صورت تحقق کامل این سناریوها دیر یا زود مساله برچیدن سیستم مافیایی حکومت در کشور مطرح خواهد شد. لذا آذربایجان باید تهدید بزرگتری مانند افزایش نفوذ ایران در آذربایجان را به نمایش بگذارد تا آمریکائیهایی خبلی بترسند. این تهدید هم افزایش نفوذ وهابیسیم در آذربایجان است. حالا اگر فرضیه ما را در کنار بیانات رینو هارنیش قرار دهیم می توانیم حدس بزنیم که سفیر آمریکا کدام نیروها را مد نظر داشت، وقتی می گفت که برخی نیروها مانع برگزاری انتخابات شفاف در آذربایجان می شوند.

اشتباه نمی کنیم اگر حدس بزنیم که هدف از سفر اخیر الهام علی اف به همان مناطق شمالی کشور آن بود که باکو که تمام «دستورات» واشنگتن را بی قید و شرط می پذیرد، در حقیقت مایل به اتخاذ گامها و اقداماتی است که باید علیه اپوزیسیون آذربایجان و تلاشهای حامیان غربی آنان عمل نمایند. الهام علی اف ۱۸ آگوست به منطقه کوتکاشن سفر نموده و از روستای نیچ نیز که مرکز تاریخی سکونت اودی ها در آذربایجان می باشد، بازدید نموده است. لازم بیادآوری است که اودی ها لزگی زبان و مسیحی، آنهم مسیحی مکتب گریگوری ارمنی می باشند. الهام علی اف در نطق خویش اعلام کرده است: «اقوام مختلف همچون اعضای یک خانواده بطور مسالمت آمیز در آذربایجان زندگی می کنند. توجه بسیار بزرگی به سیاست ملی نشان داده می شود. نمایندگان اقوام مختلف باید خودشان را امن و آزاد احساس کنند. من بعنوان رئیس جمهور کشور تمام تلاش را بکار خواهم گذاشت تا این وضعیت حفظ شود. ما خوشحال هستیم که در آذربایجان تحمل پذیری ملی و مذهبی موجود می باشد.» الهام علی اف همچنین گفته است: «من بعنوان رئیس جمهور ضامن تمام اقوام کشور می باشم، لذا آماده هستم شکایات و نقطه نظرات شما را بشنوم و مسائل را در جا حل کنم.»

علیرغم اینکه در گذشته بارها (از جمله در خارج از آذربایجان) اعلام شده است که در قبال اودی ها در آذربایجان تبعیض اعمال می شود، ولی تعجب آور است که هیچیک از ساکنین روستا جرات نکرده است بطور مستقیم گلایه کند. سفر و بیانات الهام علی اف در منطقه اودی نشین کاملاً می تواند بعنوان آغاز مبارزه آشکار برای «مغزهای» اقلیتهای قومی آذربایجان ارزیابی شود. چنانکه در گذشته نوشته ایم، این مبارزه بطور پنهان از سوی مقامات، اپوزیسیون و حامیان غربی آنان در خصوص «شستشوی مغزهای» تالشهای ایرانی زبان نیز در جریان بوده است. چنین بر می آید که رئیس جمهور آذربایجان و رینو هارنیش عملاً بطور موازی به مناطق اودی نشین یا لزگی نشین سفر نموده اند و بطور غیرمستقیم علیه یکدیگر سخن گفته اند. زیرا سفیر آمریکا با اشاره به تهدید ناکام ماندن انتخابات بطور عیان الهام علی اف یا اطرافیان نزدیک وی را مد نظر داشته است. اینگونه تبلیغات سیاسی باید منجر به برخورد منافع مختلف شود. مساله صرفاً در اینجاست که این برخورد چگونه خواهد بود و چه عواقب سیاسی خواهد داشت.

نیروی سوم ۱۳۸۴/۶/۴

فروش معدن طلا به یک شرکت آمریکایی

خبرگزاری «رویتر» خبر جالبی منتشر کرده است. بر اساس آن، نماینده شرکت آمریکایی «Global gold Corp» به خبرگزاری اعلام کرده است که شرکتشان کارخانه مشغول بهره برداری از معدن طلای «توخمانوک» واقع در جمهوری ارمنستان را به قیمت ۳۵ میلیون دلار از شرکت ارمنی «مگگولد» خریده است. آشوت پوغوسیان مسئول دفتر «Global gold Corp» در ایروان گفته است: «ها در قبال ۵۱ درصد سهام یک و نیم میلیون دلار حواله کرده ایم و مابقی مبلغ را هم طی دو سال حواله خواهیم کرد.» وی همچنین به اطلاع رسانده است که شرکتشان مجوز بهره برداری در دریافت کرده و در صدد است در آینده نزدیک فعالیت را آغاز کند و قصد دارد دو میلیون دلار سرمایه گذاری نماید. همچنین خاطر نشان می شود که «Global gold Corp» قصد دارد در تمام طول سال از معدن بهره برداری نموده و تولیدات را به ۵۰۰ الی ۷۰۰ هزار تن برساند. تا کنون معادن فقط در ماههای تابستان مورد بهره

ترکیه علاقمند است، بهمین علت هم آمریکا نقش اصلی را در مذاکرات ارمنی-ترکی بعهده می‌گیرد. طبیعتاً سؤالی بوجود می‌آید: چرا آمریکا در برقراری ارتباط خط آهنی بین ترکیه و ارمنستان عجله می‌کند؟ در صورت ورود ارمنستان به ناتو این امکان واقعی انتقال تسلیحات سنگین برای فشار به ایران است که به احتمال قوی به تحکیم روابط بین ارمنستان و ایران کمک خواهد کرد.

در رابطه با روابط اقتصادی ارمنی-ترکی می‌توان گفت که بدون تلاشهای ویژه و فعالیت دیپلماتیک حرفه‌ای طرف ارمنی این روابط به نفع ما نخواهند بود. اما در صورت برگزاری ماهرانه مذاکرات ارمنستان می‌تواند از این روابط سود بزرگی را داشته باشد. مثلاً ما می‌توانیم برق به ترکیه صادر کنیم. امروز قدرتهای انرژی ارمنستان تحت کنترل شرکت روسی «شبکه‌های واحد روسیه» است یعنی طرف ارمنی در این راستای تلاشهای مشخص را باید انجام بدهد.

تا سال ۲۰۰۶ راه اندازی نیروگاه حرارتی ارزروم با قدرت سالانه حدود ۱ میلیارد کیلووات در ساعت برنامه ریزی می‌شود. پیش بینی می‌شود که سوخت از سوی روسیه از طریق سیستم «جریان آبی» ارسال خواهد شد. اما آلترناتیو سودمندتر هم وجود دارد که قیمت ارسال سوخت از روسیه به نیروگاه حرارتی ارزروم را دو برابر کمتر خواهد ساخت. احداث و بهره برداری خط لوله «جریان آبی» که باید از کف دریای سیاه عبور کند، به منابع بزرگ نیاز خواهد داشت، در صورتیکه احداث خط لوله زمینی از طریق گیومری حداقل به میزان ۱۲ برابر ارزیان تر خواهد بود. طرف ارمنی می‌تواند و باید طرفین روسی و ترکی را متقاعد سازد که همین راهکار را انتخاب کنند بویژه که سود اقتصادی آن آشکار می‌باشد.

یک مسأله مهم دیگر نیز باید جدأ بررسی شود. آن مربوط به دورنمای همکاری ارمنستان و ترکیه در زمینه کشاورزی است. ما باید این امکانات را نیز بطور ثمربخش استفاده کنیم و حداقل ضرر نبینیم. در ترکیه قیمت یک کیلوگرم گوشت (بجز گوشت خوک) ۱۴-۱۲ دلار و در ارمنستان ۳ برابر ارزانتر است. یعنی بعد از گشایش ارتباط خط آهنی از ارمنستان به ترکیه گوشت و دیگر کالاهای دام پروری صادر خواهند کرد. اگر در نظر بگیریم که ارمنستان بعلت محدودیت خوراک دام اماکان توسعه دام پروری زیاد نیستند، تقاضای بالای گوشت موجب کشتار سراسری دام خواهد شد. طی یک سال تعداد احشام در ارمنستان به میزان ۳-۲٫۵ برابر کاهش خواهد یافت. قیمت گوشت و همچنین دیگر کالاهای دام پروری هم در ترکیه بلافاصله کاهش و در ارمنستان افزایش خواهد یافت. البته این امر عواقب کاملاً قابل پیش بینی خواهد داشت. دولت می‌تواند از طریق کمک هزینه‌ها و بکارگیری امتیازات در زمینه دامپروری تعداد احشام را مدیریت کند.

یک جنبه مهم دیگر نیز وجود دارد که باید در روند مذاکرات ارمنی-ترکی در نظر گرفته شود. همانطور که گفته بودیم در ترکیه حدود ۳۰۰۰۰ شهروند ارمنستان کار می‌کنند که آشکاراً سواستفاده می‌شوند و برای کار خود حقوق بسیار کمتر از شهروندان ترک دریافت می‌کنند. این افراد هر لحظه می‌توانند در وضعیت اسیر قرار گیرند. اگر طرف ترکی از روند مذاکرات راضی نباشد، نسبت به شهروندان ارمنستان مقیم در این کشور می‌توانند هر گونه اقدامات از جمله اقدامات شخت بکار گرفته شوند.

اگر وضعیت نیم قانونی آنها در ترکیه را نیز در نظر بگیریم، تأمین امنیت و دفاع از منافع این افراد بسیار مشکل خواهد بود. وزارت امور خارجه ارمنستان به تأمین امنیت و شرایط نرمال کار برای شهروندان ارمنستان که در ترکیه کار می‌کنند، باید بویژه توجه کند.

طرف ارمنی در مسأله پذیرش قتل عام و تصمیمات آتی مربوط به این امر نباید تصمیمات سازشکارانه اتخاذ کند. ترکیه باید قتل عام را بپذیرد و اراضی ارمنی را پس بدهد. اهمیت ویژه این مسائل طرف ارمنی را به انجام اقدامات سنجیده و استفاده موارد ثمربخش در روند مذاکرات متعدد می‌سازد.

بالاخره مهمترین مورد که باید کاملاً درک شود و در روند مذاکرات ارمنی-ترکی در نظر گرفته شود این است که پشت ترکیه ناتو ایستاده است که در این منطقه منافع خود را دارد. سیاست غرب در قفقاز جنوبی در درجه اول به جلب ارمنستان در ترکیب پیمان ترکی-گرجی-آذربایجانی که علیه منافع روسیه و ایران فعالیت می‌کند، جهت گیری شده است. هر گونه سازش در این مسأله حامل عواقب غیرقابل پیش بینی برای ارمنستان می‌باشد.

گولوس آرمینی ۱۳۸۴/۶/۴

برداری قرار می‌گرفت و ۲۰۰ هزار تن تولید داشت. معدن «توخمانوک» در نزدیکی روستای مغرادرور استان کوتایک واقع شده است. اما جالب آنست که وان گریگوریان عضو کمیسیون آشتی ارمنی-ترکی که همزمان مسئول مجمع ارمنی آمریکا نیز بوده است معاون رئیس شرکت «Global gold Corp» ثبت شده در ایالات کونکتیکوت ایالات متحده آمریکا می‌باشد. گریگوریان سهامدار این شرکت نیز می‌باشد. در ضمن بر اساس اطلاعاتی که داریم شرکت «مگگولد» متعلق به آرمین سرکیسیان برادر آرام سرکیسیان رئیس حزب «جمهوری» است. اما اطرافیان آرمین سرکیسیان طی گفتگو با خبرنگار ما اطمینان داده اند که آن هنوز فروخته نشده است، گرچه تأیید کرده اند که مذاکرات پیرامون این مسئله با وان گریگوریان در جریان است. همچنین خاطر نشان کنیم که در وزارت محیط زیست نیز اطمینان می‌دهند که فعلاً مجوز بهره برداری از معدن «توخمانوک» به شرکت دیگری منتقل نشده است و این بدان معناست که این مجوز مانند گذشته متعلق به شرکت «مگگولد» است. خاطر نشان سازیم که این معامله احتمالی توجه حکومت را نیز بخود جلب کرده و بر اساس اطلاعات ما مقامات علاقمند به منعقد شدن این معامله نیستند. این تمایل قابل درک است، زیرا دلخواه نیست که خانواده یکی از رهبران اپوزیسیون یک و نیم میلیون دلار داشته باشد. اما از آنجاییکه در طرف مقابل معامله وان گریگوریان ایستاده است و با الیت سیاسی آمریکا ارتباطات گسترده دارد، احتمال قویست که این معامله معذک انعقاد خواهد شد. همچنین خاطر نشان کنیم که «توخمانوک» یکی از بزرگترین معادن طلائی ارمنستان محسوب می‌شود.

هایکاکان ژاماناک ۱۳۸۴/۶/۵

در مذاکرات ارمنی-ترکی مسائل سیاسی بررسی می‌شوند

در مذاکرات دائمی بین نمایندگان وزارت امور خارجه ارمنستان و ترکیه اصولاً مسائل سیاسی بررسی می‌شوند. اما دورنماهای توسعه روابط ارمنی-ترکی جنبه اقتصادی را نیز در خود دارند که به بررسی عمیق نیاز دارد. این مسائل گشایش مرز، حرکت سرمایه و غیره است.

باید در نظر گرفت که ارمنستان مانند ترکیه عضو سازمان جهانی تجارت است و این امر ورود بلامانع کالاهای ارمنی به بازار ترکیه را پیش بینی می‌کند اما ترکیه در راه توسعه برابر روابط اقتصادی ارمنی-ترکی موانع متعدد ایجاد می‌کند. همزمان ترکیه سالانه کالاهایی به مبلغ حدود ۲۵۰-۲۲۰ میلیون دلار را به ارمنستان صادر می‌کند. آمار رسمی این رقم را بسیار کوچکتر کرده و ۱۲۰ میلیون دلار ارائه می‌کند. کالاهای ترکی که مستقیماً از سوی تجار و از طریق واسطه‌ها از سادخلو وارد کشورمان می‌شوند، حساب نمی‌شوند. در نتیجه ارمنستان که مشکلات اقتصادی جدی دارد، سالانه منابعی را در اقتصاد ترکیه سرمایه گذاری می‌کند که برابر حدود نصف بودجه دولتی می‌باشد.

یک عامل بسیار محسوس اقتصادی دیگر هم وجود دارد. در ترکیه حدود ۳۰۰۰۰ شهروند ارمنستان کار می‌کنند که برای کار خود حقوق تقریباً ۳ برابر کمتر از شهروندان ترکیه را دریافت می‌کنند. برای همین کار شهروند ارمنستان در استامبول ۲۵۰-۲۰۰ دلار و ترک ۸۵۰-۸۰۰ دلار دریافت می‌کنند. این امر ارزش واقعی کالاها و خدمات ترکی را کاهش می‌دهد و توانایی رقابت آن در بازار خارجی را افزایش می‌دهد.

بنابر موازین سازمان جهانی تجارت ترکیه نه تنها خسارات مادی که به تولید کنندگان ارمنی وارد آورده می‌شود، بلکه خسارات ارمنستان در نتیجه محاصره را نیز باید جبران کند. از سال ۱۹۹۱ الی ۲۰۰۴ بعلت تحریم از سوی ترکیه ارمنستان سالانه ۳۰-۲۰ درصد تولید ناخالص ملی خود را از دست می‌دهد. از لحاظ مالی این مبلغ ۵٫۶-۵٫۵ میلیون دلار است. این واقعیتهای باید از طرف ارمنی در مذاکرات استفاده شوند.

در هر صورت مرز هوایی بین ارمنستان و ترکیه باز است، راه زمینی از طریق گرجستان و ایران هم باز است، انتقال سرمایه و نیروی کاری محدود نمی‌باشد، همه ارتباطات فعالیت می‌کنند. یعنی مسأله گشایش مرز ارمنستان-ترکیه که بطور فعال بررسی می‌شود، فقط به بهره برداری بخش خط آهنی قارص-گیومری محدود می‌شود. اما اگر ۴ عامل ارتباطات بطور بلامانع فعالیت می‌کنند، جنب و جوش پیرامون عامل ۵-۵م را چگونه می‌توان توضیح داد؟ آشکار است که سر و صدای سیاسی پیرامون عامل اقتصادی نه چندان روزمره از سوی چه کسی بلند می‌شود. بیشتر از همه آمریکا و پنتاگون به گشایش ارتباطات خط آهنی بین ارمنستان و